

بررسی افعال دووجهی

محمدجواد کمالی | استادیار گروه زبان فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد (email: Kamali_mj@yahoo.fr)

Résumé

Dans cet article, nous allons étudier ce qu'on appelle dans la plupart des grammaires usuelles françaises les «verbes symétriques» ; ces verbes admettent certes les deux emplois transitif et intransitif, sans aucun changement. Nous y délimitons cette classe de verbes en recourant à trois critères définitoires en français et en persan qui sont à la fois d'ordre syntaxique et sémantique et ensuite nous mettrons en avant les caractéristiques distinctives de l'emploi «symétrique» intransitif. Enfin, nous montrerons que la propriété de «symétrie» est, à notre sens, d'ordre sémantique que d'ordre syntaxique. Cet article pourra amener à une meilleure connaissance dans les cours de grammaire et de rédaction françaises.

Mots-clés: Grammaire française, verbes symétriques, constructions symétriques, propriétés sémantiques, ordre syntaxique

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کی در زبان فرانسه



چکیده

در این مقاله می‌کوشیم به بررسی همه‌جانبه‌گروهی از افعال که در کتاب‌های دستور آنها را افعال «دو وجهی»، «ذو وجهین» یا «مقارن» می‌نامند، پردازیم؛ فعالی که می‌توانند بدون تغییر ظاهری هم در شکل لازم و هم در شکل متعدی به کار بروند. این بررسی، با هدف ارائه شناخت بهتر از این افعال برای تدریس در کلاس‌های گرامر فرانسه، سه محور را در برمی‌گیرد: نخست به تعریف این افعال در گرامر فرانسه و دستور فارسی و نیز «ساختارهای دو وجهی» اشاره می‌کنیم. سپس، ویژگی‌های معنایی و کارکرد نحوی آنها را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم و به موارد کاربرد افعال «دو وجهی» لازم می‌پردازیم. سرانجام نیز اشاره خواهیم کرد که ویژگی این قبیل افعال بیشتر بر اساس کارکرد معنایی آنها قابل تعریف است تا کارکرد نحویشان. مطالعه این مقاله می‌تواند شناخت بهتری از افعال دو وجهی در کلاس‌های گرامر و نگارش فرانسه به دست دهد.

کلیدواژه‌ها: گرامر زبان فرانسه، افعال دو وجهی، ساختارهای دو وجهی، ویژگی‌های معنایی، کارکرد نحوی

مقدمه

دستورنویسان فرانسوی تا اواخر دهه شصت میلادی، افعال زبان فرانسه را به فقط به دو دسته «لازم» و «متعدی» تقسیم می‌کردند. ژان دوبوا از نخستین کسانی بود که در سال ۱۹۶۷ به دسته سومی هم اشاره کرد و نام «دو وجهی» را برای آن برگزید طبق نظر او این دسته از افعال قابلیت آن را دارند که بدون هیچ تغییر ظاهری یا افزوده شدن فعل کمکی، هم به شکل لازم و هم به شکل متعدی به کار گرفته شوند (Dubois, 1976: 82). از آن پس، تقریباً در همه کتاب‌های گرامر فرانسه به این نوع افعال توجه شد و بیشتر دستورنویسان همان عنوان پیشنهادی ژان دوبوا را برگزیدند. البته عده‌ای نیز از این دسته افعال با عنوان‌های «خنثی» (Boons, 1976: 68)، «معکوس» (Rothenberg, 2008: 130)، «دو ماهیتی» (Benveniste, 1966: 171)، «دو رو» (Lazard, 1994: 154) و مانند آن یاد کرده‌اند. نظر به اینکه عنوان «دو وجهی» شهرت و وضوح بیشتری دارد، ما نیز در این مقاله همین عنوان را برگزیده‌ایم.

مبحث افعال «دو وجهی» در کتاب‌های دستور زبان فارسی قدمت چندانی ندارد و دستورنویسان با اشاره به چند فعل نظیر

«شکستن»، «بریدن»، «پختن»، «ریختن»، «شکافتن» و ذکر یک یا دو مثال مختصر، همواره به سادگی از کنار آن گذشته‌اند. برای نمونه، خسرو فرشی‌دورد مثال زیر را از دیوان حافظ نقل می‌کند: «سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت / آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت» و توضیح می‌دهد که فعل سوخت در مصراع اول، لازم ولی در مصراع دوم متعدی است (فرشی‌دورد: ۱۳۸۲: ۴۲۹) گیوی و انوری نیز (گیوی و انوری: ۱۳۸۴) پس از ارائه تعریفی کوتاه، تنها به ذکر دو مثال زیر اکتفا می‌کنند:

باران بارید. (لازم) / کودک از دیده اشک بارید. (متعدی)

آب ریخت. (لازم) / او آب را به زمین ریخت. (متعدی)
نظر به جایگاه خاص افعال «دو وجهی» در زبان فرانسه و اهمیت آموزش آن در کلاس‌های گرامر، در این مقاله می‌کوشیم در جهت اعتلای شناخت مدرسان محترم گرامر فرانسه، با طرح این پرسش که آیا تعریف افعال دو وجهی بیشتر بر اساس ویژگی‌های معنایی آنها میسر است یا کارکرد نحوی‌شان، به بررسی و تحلیل دقیق این موضوع با تکیه بر جنبه کاربردی آن پردازیم.

معیارهای تعریف افعال دو وجهی

فعل‌هایی که موضوع این مقاله‌اند، بر اساس ساختار مثال زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

LE VENT CASSE LA BRANCHE. باد شاخه

را می‌شکند. ← La branche casse. شاخه می‌شکند.

این ساختار را با فرمول $N_1 + V \leftrightarrow N_2 + V + N_1$ می‌توان

نمایش داد.

ویژگی افعال دو وجهی بیشتر بر اساس کارکرد معنایی آنها قابل تعریف است تا کارکرد نحوی‌شان

شایان ذکر است که تعدادی از دستورنویسان فرانسوی، نظیر بوریلو افعال دو وجهی را با نگاهی متفاوت مورد توجه قرار داده‌اند. الگوی بررسی آنها را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد.

(۱) a- Pierre et Paul rivalisent. / Paul et Pierre rivalisent.

b- Pierre rivalise avec Paul. / Paul rivalise avec Pierre.

c- On confond le ciel et la mer. / On confond la mer et le ciel.

در بخش اول فرمول مورد نظر ما، یعنی $N_1 + V + N_2$ ، عناصر N_1 و N_2 هر دو حضور دارند و فعل که هسته مرکزی را تشکیل می‌دهد، با ماهیت متعدی مابین آنها قرار می‌گیرد. نکته مهم درباره عناصر فرمول $N_1 + V \leftrightarrow N_2 + V + N_1$ حضور عنصر N_1 در هر دو بخش فرمول است؛ حال آنکه این مورد در خصوص عنصر N_2 چنین نیست و حتی اگر بخواهیم این عنصر را در فرمول $N_1 + V -$ که فعل آن ماهیت لازم دارد- بیاوریم، به ناگزیر باید پیش از آن کلمه یا کلمه‌هایی را بیفزاییم:

(۲) a- Le vent casse la branche. ↔ La branche casse (sous l'effet du vent).

b- Le soleil sèche le linge. ↔ Le linge sèche (au soleil).

باری، تعریف جامع افعال دو وجهی در زبان فرانسه را باید در چهار معیار زیر جستجو کرد.

• قابلیت استفاده با ماهیت متعدی و لازم:

چنان که پیش‌تر دیدیم، مهم‌ترین قابلیت افعال دو وجهی آن است که با ظاهر یکسان می‌توانند گاه به صورت متعدی و گاه به صورت لازم به کار روند:

- (۳) a- On cuit une sauce. ↔ La sauce cuit.
b- Le coiffeur (dé)frise les cheveux de Paul.
↔ Les cheveux de Paul (dé)frisent.
c- On appuie le mur par un arc-boutant.
↔ Le mur appuie sur un arc-boutant.
d- Cette situation déprime Paul. ↔ Paul déprime.

البته این قابلیت همه افعال دو وجهی به‌طور یکسان وجود ندارد و بسته به تعریف این قبیل افعال در فرهنگ‌های لغت و کتاب‌های گرامر متفاوت است. برای نمونه کاربرد لازم دو فعل plisser و ramifier در مثال (۴) و کاربرد متعدی فعل renchérir در مثال (۵) سؤال برانگیز است:

- (۴) a- On plisse le tissu. ↔ ? Le tissu plisse bien.
b- On ramifie la route. ↔ ? La route ramifie.
(۵) ? On renchérit les prix. ↔ Les prix renchérisent.

• هویت مفعول در حالت متعدی و فاعل در حالت لازم

در فرمول $N_1, N_1 + V + N_1$ یا مفعول افعال دو وجهی در حالت متعدی همیشه یک اسم بی‌جان و در فرمول $N_1 + V$ یا فاعل افعال دو وجهی در حالت لازم اسمی جاندار است (مثال‌های ۱ تا ۴). با این همه، نباید در خصوص کاربرد افعالی مانند crier, monter, nager, fredonner, boire در ساختارهایی مشابه، عیناً به همین معیار استناد کرد:

(۶) a- Il crie. / Il crie des ordres à sa secrétaire.
b- Il monte. / Il monte les bagages.
c- Il nage. / Il nage le crawl.
d- Il fredonne. / Il fredonne un air à la mode.
e- Il boit un verre d'eau. / Il boit.

برای این قبیل افعال بهتر است فرمول $N_1 + V + N_1$ را در نظر بگیریم؛ چرا که به رغم تشابه ساختاری، از لحاظ کارکرد معنایی نمی‌توانند در زمره افعال دو وجهی قرار گیرند. برای نمونه، در فرهنگ‌های لغت فعل nager اساساً لازم و فعل boire متعدی در نظر گرفته شده‌اند. در مثال e هر چند فعل boit در بخش دوم بدون مفعول است و از نظر شکل به

افعال لازم شباهت پیدا می‌کند، در واقع همچنان ماهیت متعدی دارد و فقط از لحاظ معنایی با بخش اول متفاوت است.

در مورد معدودی از افعال نظیر، écumer، هرگز نمی‌توان عنصر N_1 را به‌خاطر مفهوم فعل عیناً در حالت متعدی و لازم به‌طور یکسان به کار برد:

- (۷) On écume le pot-au-feu. / La mer écume.
* Le pot-au-feu écume.

همچنین در مورد sortir، عنصر N_1 همراه فعل در حالت متعدی و لازم برخلاف موارد قبلی، جاندار است و فعل sortir از این حیث با سایر افعال دو وجهی تفاوت دارد:

- (۸) Il sort sa petite amie. / Sa petite amie sort.

• لزوم استفاده از افعال دارای معنای ثابت و پرهیز از افعال هم‌آوا

برخی از افعال به‌رغم تشابه ظاهری، در حالت متعدی و لازم کم و بیش معنای متفاوتی دارند و در واقع نباید آنها را در ردیف افعال دو وجهی واقعی به حساب آورد؛ برای مثال:

- (۹) a- Paul vole l'avion. / L'avion vole.
b- Paul fume une cigarette. / La cigarette fume.

اما آیا این قضیه در مورد افعالی مانند sentir و saigner نیز صادق است؟

- (۱۰) a- On saigne le cochon. / Le cochon saigne.
b- Paul sent la fleur. / La fleur sent bon.

برای پاسخ دادن به این سؤال باید به معیار چهارم - که در ذیل می‌آید- متوسل شد.

• برابری تقریبی معنایی افعال دو وجهی متعدی و ساختار faire que

برای تشخیص افعال دو وجهی می‌توان در برابر فرمول $N_1 + V + N_1$ ، ترکیب faire que را به ابتدای فرمول $N_1 + V$ افزود.

- (۱۱) a- On cuit une sauce. / On fait que la Sauce cuit.

- b- Le coiffeur (dé)frise les cheveux de Paul. / Le coiffeur fait que les cheveux de Paul (dé)frisent.

- c- On appuie le mur sur un arc-boutant. / On fait que le mur appuie sur un arc-boutant.

- d- Cette situation déprime Paul. / Cette situation fait que Paul déprime.

با این روش، می‌توانیم معنای جمله‌های حاصل را مقایسه

RBS

- (۱۵) a-Verbes primaires: brûler, rouler, monter,...
b-Verbes dérivés de substantifs: angoisser, boucler, caraméliser,...
c-Verbes dérivés d'adjectifs : blondir, épaissir, grandir,...

• ویژگی معنایی

برخی از دستورنویسان فرانسه بر این عقیده‌اند که بررسی ویژگی یا ویژگی‌های معنایی افعال دو وجهی به تنهایی برای تشخیص آنها کافی نیست (Lazard, 1994: 155)؛ زیرا در مواردی، مترادف این نوع فعل‌ها چه بسا دیگر خصوصیت افعال دو وجهی را نداشته باشد؛ مثال‌های زیر گواه این مطلب است:
a-On (casse + brise) la branche. / La branche (casse+ *brise).
b- Pierre (traîne + tire) la bâche sur le sol. / La bâche (traîne + *tire).
c- On (augmente + *croît) les prix. / Les prix (augmentent + croissent).

مبحث افعال «دو وجهی» در کتاب‌های دستور زبان فارسی قدمت چندانی ندارد و دستورنویسان با اشاره به چند فعل نظیر «شکستن»، «بریدن»، «پختن»، «ریختن»، «شکافتن» و ذکر یک یا دو مثال مختصر، همواره به سادگی از کنار آن گذشته‌اند

کنیم و افعال دو وجهی را از افعال هم‌آوا تمیز دهیم:

- (۱۲) a- On saigne le cochon. / On fait que le cochon saigne.
b- Paul sent la fleur. / ? Paul fait que la fleur sent bon.

در میان بیش از دوازده هزار فعل در زبان فرانسه، حدود سیصد فعل بر اساس این چهار معیار در زمره افعال دو وجهی قرار می‌گیرند (Dubois, 1997).

ویژگی‌های افعال دو وجهی • ویژگی ظاهری

افعال دو وجهی فرانسه را نمی‌توان بر اساس ظاهر لغوی شان از دیگر افعال جدا کرد. با این همه، این قبیل افعال خود دارای ویژگی‌هایی هستند که حداقل از دو جهت قابل بررسی است:

- فعل‌های بدون پیشوند (۱۴a) و فعل‌های با پیشوند (۱۴b)
a- verbes non-préfixés : baigner, casser, commencer,...
b- verbes préfixés:
- préfixe « a- »: approcher, allonger,...
- préfixe « é- »: éclaircir, élargir,...
- préfixe « en- » ou « em- »: enlaidir, embellir,...
- préfixe « dé- » ou « dés- »: déculpabiliser, dérouiller, défroisser,...
- préfixe « re- », « ré- » ou « r- »: replonger, rouvrir / rouvrir, ...

فعل‌های ساده (۱۵a)، فعل‌های مشتق از اسامی (۱۵b) و فعل‌های مشتق از صفت‌ها (۱۵c)

به نوعی با طبخ مواد غذایی در ارتباطند (Boons, 1976: 112).

a- On cuit la viande. / La viande cuit.

b- Le cuisinier frit le hareng. / Le hareng frit.

c- Le cuisinier faisande le lièvre. / Le lièvre faisande.

d- Le cuisinier gratine la purée. / La purée gratine au four.

با بررسی دقیق افعال در همه موارد یادشده می‌توانیم به این نتیجه برسیم که ما با «افعال دو وجهی» روبه‌رو نیستیم، بلکه با «کاربردهای دو وجهی» یا به عبارت دقیق‌تر «ساختارهای دو وجهی» مواجهیم. در این ساختارها، دو پارامتر نقش ایفا می‌کنند:

• ویژگی‌های معنایی فعل

ویژگی معنایی فعل شرط لازم است ولی کافی نیست؛ زیرا ممکن است مترادف آن، خصوصیت دو وجهی نداشته باشد:

a- On casse la branche. / La branche casse.

b- On brise la branche. / * La branche brise.

a- On coule la barque. / La barque coule.

b- * On sombre la barque. / La barque sombre.

همان‌طور که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، فعل casser قابلیت آن را دارد که هم به صورت متعدی و هم به صورت لازم مورد استفاده قرار بگیرد؛ حال آنکه فعل briser به رغم هم معنی بودن، فقط به صورت متعدی به کار می‌رود و نمی‌تواند بدون N ظاهر شود. در مورد sombrero قضیه برعکس است و این فعل فقط به صورت لازم کارایی دارد.

براین اساس، درمی‌یابیم که ویژگی دو وجهی بودن افعال را نباید فقط در معنای آنها جست‌وجو کرد بلکه به نقش معنایی عنصر N_i نیز باید توجه کرد.

مطابق این اصل، افعال دو وجهی را می‌توان از حیث معنا به چهار گروه تقسیم کرد (Boons, 1976: 105):

الف) افعال دو وجهی که دارای حداقل یک کاربرد متعدی مستقل‌اند و هیچ کاربرد لازم مستقلی ندارند.

a- Le vent remue les feuilles. / Les feuilles remuent.

b- Cette lecture a remué Marie. / * Marie a remué.

ب) افعال دو وجهی که دارای حداقل یک کاربرد لازم مستقل‌اند و هیچ کاربرد متعدی مستقلی ندارند.

a- L'humidité a moisi les fruits. / Les fruits ont moisi.

b- * (Ceci + Pierre) a moisi Marie en taule. / Marie a moisi en taule.

پ) افعال دو وجهی که دارای هر دو کاربرد مستقل متعدی و لازم‌اند. (در واقع، این نوع افعال به معنی واقعی کلمه «دو وجهی» هستند و بیشترین تعداد را نیز شامل می‌شوند).

a- Pierre plonge le linge dans l'eau. / Le linge plonge dans l'eau.

b- Ceci plonge Marie dans l'embaras. / * Marie plonge dans l'embaras.

c- * (Ceci + Pierre) plonge Marie dans la crique chercher un coquillage. / Marie plonge dans la crique chercher un coquillage.

ت) افعال فی‌المنفرد دو وجهی که کاربرد مستقل متعدی و لازم ندارند. تعداد این افعال بسیار کم است و شامل افعالی می‌شوند که

• ویژگی N_1

به نظر می‌رسد محتوای معنایی عنصر N_1 در ساختارهای دو وجهی تا حدود زیادی به رفع ابهام در تشخیص افعالی نظیر brûler و griller کمک می‌کند. برای تشریح این قضیه، بهتر است سه مثال زیر را، که عنصر N_1 در هر کدام معنایی متفاوت دارد، با هم مقایسه کنیم:

(۲۳) a- Pierre (brûle + grille) le steak. / Le steak (brûle + grille).

b- Pierre (brûle + grille) le feu rouge. / *Le feu rouge (brûle + grille).

c- * (Ceci + Pierre) (brûle + grille) Paul de partir. / Paul (brûle + *grille) de partir.

چنان که می‌بینیم، عنصر N_1 را فقط هنگامی می‌توان در کنار این دو فعل آورد که معنا و مفهوم مواد خوراکی داشته باشند در غیر این صورت، ساختار جمله‌های حاصل از نظر دستوری صحیح نیست.

افعال دو وجهی با ماهیت کارپذیر لازم

فعل دو وجهی در فرمول N_1+V ماهیت کارپذیر لازم دارد؛ این ماهیت را اغلب می‌توان به صورت فعل دو ضمیره یا به کمک فعل معین être و اسم مفعول نیز بیان کرد:

(۲۴) a- Le vent casse la branche. (Actif)

b- La branche est cassée. (Passif avec «être» ou prototypique).

b'¹- La branche se casse. (Pronominal passif)

b''- La branche casse. (Passif intransitif)

عنصر N_1 معمولاً همراه با افعال دو ضمیره و افعال لازم که ماهیت کارپذیر دارند، برای صرفه‌جویی بیانی محذوف است ولی اگر بخواهیم آن را در جمله (b) ذکر کنیم، باید حرف اضافه par را مقدم بر آن بیاوریم. در صورتی که بخواهیم این عنصر را برای جمله‌های (b') یا (b'') متذکر شویم، بهتر است از عبارتهایی نظیر sous l'action / sous l'effet استفاده کنیم.

(۲۵) a- La branche est cassée par le vent.

b- La branche (se) casse sous l'action / sous l'effet du vent.

نکته قابل توجه دیگر در خصوص افعال دو وجهی - و نیز دو ضمیره- با ماهیت کارپذیر لازم این است که عنصر N_1 چنانچه همراه آنها بیاید، نمی‌تواند اسم خاص انسان یا ضمیری که به جای اسم خاص به کار می‌رود، باشد:

(۲۶) a- La branche est cassée par Paul. / * La branche (se) casse par Paul ? sous le

poids de Paul.

b- La sauce est cuite par le cuisinier. / *

La sauce (se) cuit par le cuisinier, sous l'action du cuisinier.

از سوی دیگر، فعل دو وجهی با ماهیت کارپذیر لازم نمی‌تواند بر خلاف شکل دو ضمیره خود، قید یا متمم قیدی به دنبال داشته باشد:

(۲۷) a- * La viande cuit avec soin. / Ce type de viande se cuit avec soin.

b- * La porte ouvre discrètement. / Une porte, ça s'ouvre discrètement.

اما فعل دو ضمیره با ماهیت کارپذیر این قابلیت را دارد که پس از آن قید یا متمم قیدی بیاید یا نیاید:

(۲۸) a- La porte se ferme discrètement.

a'¹- La porte se ferme.

b- Les cheveux se frisent avec soin.

b'¹- Ses cheveux se frisent.

البته به جای قید می‌شود، عبارتهایی مانند «tout seul» یا «de lui-même» را پس از افعال دو وجهی یا دو ضمیره با ماهیت لازم ذکر کرد:

(۲۹) a- La branche (se) casse toute seule, d'elle-même.

b- Le fer (se) rouille tout seul, de lui-même.

c- * Le tissu est fabriqué tout seul, de lui-même.

d- * Le tissu se fabrique tout seul, de lui-même.

ظاهراً میان فعل دو وجهی لازم و شکل دو ضمیره با ماهیت کارپذیر تفاوت معنایی چندانی وجود ندارد ولی دو ارزش کاربردی جداگانه می‌توان برای آنها قائل شد: فعل دو وجهی لازم با ماهیت کارپذیر ارزش توصیفی یا مشاهده‌ای دارد؛ در حالی که فعل دو ضمیره با ماهیت کارپذیر بر تغییر کلی یا جزئی دلالت می‌کند. (Forest, 1988: 156)؛ برای نمونه:

(۳۰) a- Les vêtements collent à la peau.

(توصیف)

- Les vêtements se collent à la peau.

(تغییر جزئی)

- b- Le verre casse.

(مشاهده)

- Le verre se casse.

(تغییر حالت)

- c- Le sirop cristallise.

(مشاهده حالت)

۲. تشخیص افعال دو وجهی در دو زبان بیشتر از طریق معنای فعل و میزان وابستگی معنایی آن به عنصر N امکان پذیر است.

۳. فعل دو وجهی لازم با ماهیت کارپذیر ارزش توصیفی یا مشاهده‌ای دارد؛ در حالی که فعل دو ضمیره با ماهیت کارپذیر بر تغییر کلی یا جزئی دلالت دارد.

۴. فعل دو وجهی لازم با ماهیت کارپذیر ارزش معنایی بالفعل دارد؛ حال آنکه فعل دو ضمیره در زبان فرانسه از ارزش بالقوه برخوردار است.

منابع

- Benveniste E. (1966). *Problème de linguistique générale*, I, Paris, Gallimard.
- Blinkenberg A. (1960). *Le Problème de la transitivité en français moderne*, Copenhagen, Munksgaard.
- Borillo (1971). «Remarques sur les verbes symétriques français», dans *Langue française*. Vol. 11, N°1, Paris, Larousse.
- Boons J.P., Guillet A., Leclère C. (1976). *La Structure des phrases simples du français, constructions intransitives*, Genève, Droz.
- Dubois J. (1967). *Grammaire structurale du français, Le verbe*, Paris, Larousse.
- Dubois, J. & F. Dubois-Charlier (1997). *Les Verbes Français*. Paris : Larousse-Bordas.
- Forest R. (1988). «Sémantisme entéléchique et affinité descriptive: pour une ré-analyse des verbes symétriques ou neutres du français», *Bulletin de la société linguistique de Paris*, 83/1, pp 137-162.
- Kamali M.-J. (2010). *Grammaire française, le verbe*, 3ème édition. Téhéran, SAMT.
- Lazard G. (1994). *L'Actance*, Paris, P.U.F.
- Rothemberg M. (2008). *Les Verbes à la fois transitifs et intransitifs en français contemporain*, La Haye, Mouton.
- فرشیدورد، خسرو؛ دستور مفصل امروز، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- احمدی گیوی، حسن، حسن انوری، دستور زبان فارسی، چاپ بیست و هفتم، تهران، موسسه فرهنگی فاطمی، ۱۳۸۴.

- Le sirop se cristallise.
(تغییر حالت)

- d- Il fatigue.
(توصیف حالت جسمی)

- Il se fatigue.
(تغییر حالت جسمی)

- e- Il stresse / désespère.
(توصیف حالت روحی)

- Il se stresse / se désespère.
(تغییر حالت روحی)

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فعل دو وجهی لازم با ماهیت کارپذیر ارزش معنایی بالفعل و فعل دو ضمیره ارزش بالقوه دارد:

(۳۱) - Le rôti cuit au four.

- Le rôti se cuit au four.

وقوع فعل در جمله نخست مربوط به لحظه سخن گفتن است ولی در جمله دوم مبین لحظه خاصی نیست و در واقع قاعده‌ای کلی را بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری

چنان‌که دیدیم، ویژگی افعال دو وجهی بیشتر بر اساس کارکرد معنایی آنها قابل تعریف است تا کارکرد نحوی‌شان. در پایان، می‌شود نتایج به دست آمده در این بررسی را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. ما در گرامر زبان فرانسه (و تا حدودی در فارسی) نه با افعال دو وجهی بلکه با کاربردهای دو وجهی یا به عبارت دقیق‌تر با ساختارهای دو وجهی روبه‌رویم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
آپرنندره
Apprentissage